



زوزه‌های خلیفه ارتجاع علیه مجاهدین به خاطر قیام

و خالی کردن دق‌دل بر روی آلبانی در سوز و سوگ سردژخیم سلیمانی

اگر خامنه‌ای در سوز و سوگ سرپاسدار ولایتش دق‌مرگ می‌شد عجب نبود. جای این یکی را که به راستی شماره ۲ واقعی و بی‌جان‌ترین رژیم بود کسی نمی‌تواند پر کند. عمق استراتژیکی و حفاظتی نظام ولایت فقیه که در عراق و لبنان به لرزه در آمده بود، اکنون در سیاه‌چاله‌ای فرو رفته که انتهای آن سرنگونی است. جنگ‌افروزی و صدور ارتجاع و تروریسم از آغاز سپر حفاظتی و لازمه بقای ولایت فقیه بوده است. از این‌رو ذلت و ماتم را در چهره منحوس خامنه‌ای به‌وضوح می‌توان دید. به‌خصوص که قیام خلق از داخل زنگها را در ۱۹۰ نقطه در پیکر این خلق و این میهن به صدا در آورده است.

در ۲۶ آبان خامنه‌ای از مصیبت ناامنی و از مجاهدین تحت عنوان «مجموعه خبیث و جنایتکار» شکوه می‌کرد که گوئیا با بقایای شاه به «شرارت» ترغیب می‌کنند. خامنه‌ای گفت:

«ناامنی بزرگ‌ترین مصیبت برای هر کشوری است، برای هر جامعه‌یی است، اینها قصدشان این است. شما ملاحظه کنید در این دو روز تقریباً یعنی دو شب و یک روزی که از این قضایا گذشته همه مراکز شرارت دنیا علیه ما این کارها را تشویق کردند، از خانواده منحوس خبیث خاندان پهلوی تا مجموعه خبیث و جنایتکار منافقین، اینها دارند مرتباً در فضای مجازی و در جاهای دیگر دارند تشویق می‌کنند ترغیب می‌کنند که این شرارتها انجام بگیرد».

×××××

اما اکنون در کمتر از دو ماه با برملا شدن جزئیات قیام خلق و شمه‌ای از اسامی و ارقام شهیدان، در درس «دشمن‌شناسی» که درس پایه‌یی حوزه و رژیم ولایت است، پس از فروکش کردن دود و دم‌ها و نمایشات پوشالی انتقام‌گیری سخت از آمریکا، خامنه‌ای پرده را درباره دشمن اصلی کنار می‌زند و عقده‌گشایی علیه مجاهدین و مقاومت ایران را تا خالی کردن دق‌دل بر روی آلبانی امتداد می‌دهد. گوش کنید:

«آنچه که وظیفه ما به‌عنوان مردم به‌عنوان آحاد جمهوری اسلامی است اولاً دشمن‌شناسی دشمن را در شناخت دشمن اشتباه نکنید نگویید که خب همه می‌دانیم بله شما می‌دانید که دشمن کی هست دشمن استکبار است دشمن صهیونیزم است دشمن آمریکا است اینها را می‌دانید شما، اما تلاش وسیعی دارد انجام می‌گیرد برای این که این قضیه را به عکس کنند نظر مردم را عوض کنند با شیوه‌های پیچیده تبلیغاتی همه باید مراقب باشند

دشمن‌شناسی بسیار مهم هست یکی این بعد دانستن نقشه دشمن دشمن چه کار دارد می‌کند چه کار می‌خواهد بکند و بعد دانستن شیوه مقابله با نقشه دشمن این را باید مردم ما بدانند.....

همین قبل از این قضایای چند روز قبل از قضایای آبان‌ماه، این قضایای مربوط به بنزین و این حرفها، در یک کشور اروپایی، یک کشور کوچک اما شیرین واقعاً خبیث در اروپا، یک عنصر آمریکایی با یک تعداد ایرانی مزدور، وطن‌فروش، جمع شدند دور هم علیه جمهوری اسلامی بنا کردند برنامه‌ریزی کردن و نقشه درست کردن. نقشه هم همان چیزی بود که ما چند روز بعدش در قضایای بنزین دیدیم یعنی مردم از حادثه بنزین اوقاتشان تلخ بود یک عده‌یی از مردم آمدند بیرون به‌عنوان اعتراض، به مجرد این که مردم، یک تعدادی از مردم البته خیلی هم نبودند وارد میدان شدند این فریب خوردگان، این مغرضین، این عمال دشمن همان برنامه را شروع کردند اجرا کردن. یعنی بیان تخریب کنند آتش بزنند آدم بکشند ویران کنند هم مراکز دولتی را هم مراکز مردمی را، جنگ راه بیندازند. این نقشه قبلی بود. البته این که میگم چند روز، قبل از این، این چند روز تجدید نقشه بود این کارهایی بود که از قبل کرده بودند افراد را آماده کرده بودند یک عده مزدور را پول داده بودند. این کارها را هم می‌کنند. هر چه بتوانند انجام می‌دهند» (خامنه‌ای ۱۸ دی ۹۸).

رئیس‌جمهور ارتجاع هم گفته بود:

«آنهايي که سازمان‌یافته در این داستان آمدند توی اعترافات‌شان که حالا در آینده پخش می‌شود و شما خواهید دید برنامه‌ریزی اینها بیش از دو سال است، دو سال است اینها برنامه‌ریزی کرده بودند پارسال در یک مقطعی می‌خواستند، زمان مناسب نبوده، امسال می‌خواستند در یک مقطعی مناسب، بیشتر هم به فکر مثلاً آخر دی و بهمن یا نزدیکی انتخابات در آن ایام برنامه‌ریزی کرده بودند...» (روحانی ۱۳ آذر ۹۸).

×××××

خامنه‌ای درست می‌گوید خلق ما و مقاومت ما، با مجاهدان پیشتاز و جوانان و کانونهای شورشگرش، آن چه را بتوانند برای سرنگونی این رژیم و دستیابی به آزادی و حاکمیت جمهور مردم انجام می‌دهند. با این تفاوت که مزد و مزدوری که منطق ارتجاع و غارتگری است و می‌خواهد بر روی ما فرافکنی کند وصله ناچسب است و کسی باور نمی‌کند.

لجن‌پراکنی فرو خورده علیه آلبانی، یک‌سال پس از اخراج سفیر رژیم نیز یادآور خوابهای پنبه‌دانه خامنه‌ای و هم‌ریشان و هم‌ریشگان است که گوئیا مجاهدین که از عراق بروند به‌سرعت در خارجه و در دنیای بورژوازی مضمحل و بی‌خطر می‌شوند و به‌قول کارشناسان اطلاعاتی و امنیتی رژیم «صورت‌مسأله» که «تشکیلات» آنها باشد، در وادی جنسیت و فردیت خودپرستانه، غرق می‌شود! بیچاره شب‌پرستان و مرتجعین که مریم رهایی و انقلاب او را نخوانده بودند.

×××××

یازده سال پیش در اسفند ۱۳۸۷ خامنه‌ای برای پاک کردن «صورت‌مسأله» در دیدار با طالبانی در مقام رئیس‌جمهور وقت عراق باز هم به دهان‌دریدگی علیه مجاهدین پرداخت و خواهان عملی شدن توافق‌های دوجانبه با حکومت دست‌نشانده عراق علیه مقاومت ایران شد.

تلویزیون رژیم در اخبار ۱۰ اسفند ۱۳۸۷ در مورد ملاقات خامنه‌ای با طالبانی گفت:

«ایشان حضور نظامیان آمریکایی و انگلیسی و کارشناسان و نیروهای امنیتی آنها در عراق را به ضرر این کشور دانستند و تأکید کردند نظامیان اشغالگر هر چه زودتر باید از عراق خارج شوند زیرا هر یک روزی که خروج آنها به تأخیر بیفتد به ضرر ملت عراق خواهد بود.

ایشان خطاب به رئیس‌جمهور عراق خاطرنشان کردند انتظار این است که جنابعالی و جناب آقای مالکی نخست‌وزیر عراق به صورت جدی عملی شدن توافقات و تفاهات دوجانبه را پیگیری نمایید.

رهبر انقلاب اسلامی به توافق دوجانبه در خصوص اخراج منافقین از عراق اشاره و تأکید کردند این تصمیم باید عملی شود و ما منتظر تحقق آن هستیم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای منافقین را مایه شر و فساد دانستند و با اشاره به تصمیم اتحادیه اروپا برای خارج کردن آنها از لیست گروه‌های تروریستی افزودند این تصمیم اتحادیه اروپا نشان داد که تروریست بودن یا نبودن از دیدگاه غرب یک مسأله قراردادی است و هیچ ارتباطی با واقعیات ندارد. ایشان خاطرنشان کردند اروپائیان با وجود این تصمیم از طرف دیگر حاضر به پذیرفتن منافقین در کشورهای خود نیز نیستند».

در همان زمان گفتیم:

«خامنه‌ای پرده‌ها را کنار زد و در دیدار با رئیس‌جمهور عراق، به دهان‌دریدگی علیه مجاهدین پرداخت و خواهان «عملی شدن توافق‌ها» شد. انگار که عراق تیول و ملک طلق ولایت ارتجاع است، «به صورت جدی عملی شدن توافق دوجانبه در خصوص اخراج» مجاهدین را بستانکاری می‌کند و به گونه حکم حکومتی رژیم آخوندی، مقرر می‌کند: «این تصمیم باید عملی شود و ما منتظر تحقق آن هستیم». زیرا مجاهدین به گفته بزرگ‌عمامه‌داران ولایت، «مایه شر و فساد» هستند به خصوص که اتحادیه اروپا هم آنها را از لیست گروه‌های تروریستی خارج کرده است. اما در همین حال می‌گوید که دولتهای اروپا «حاضر به پذیرفتن منافقین در کشورهای خود نیستند».

به فرموده ولی‌فقیه ارتجاع: «نظامیان اشغالگر (هم) باید هر چه زودتر از عراق خارج شوند زیرا هر یک روزی که خروج آنها به تأخیر بیافتد به ضرر ملت عراق خواهد بود». طفلک فرتوت فراموش کرده است که منقل خودش و رژیمش از همین آتش اشغال عراق گرم شد!

اما آن‌چه به‌طور مضاعف خامنه‌ای را زخمی و برآشفته کرده است دانشجویانی هستند که در تهران به دفن استخوان و گورستان کردن دانشگاهها از یک‌سو و به «دانشگاه» شدن شکنجه‌گاه اوین در حاکمیت آخوندی از سوی دیگر معترضند. از این روست که دق دل خود را بی‌محابا بر روی مجاهدین خالی می‌کند و آنها را مایه و موجب «شر و فساد» می‌داند.

راست می‌گوید! الحق که مجاهدین در همه جا «شر و فساد» حکومت آخوندی را خوب برملا کردند. دست مریزاد در آبان ۸۶ پس از نامگذاری نیروی تروریستی قدس و سپاه پاسداران ارتجاع گفته بودیم:

تبریک و آفرین بر آنها که در مجاهدتی بی‌همتا، در مبارزه‌ی بغرنج و جان‌فرسا، در برابر تسلیحات کشتار جمعی و تروریسم افسار گسیخته فاشیسم مذهبی و در برابر اشغالگری خرنده و درنده آن در عراق، سینه سپر کردند و سد بستند. برملا کردند، به کرسی نشانند و به ثبت دادند. با تحمل فشار و پرداخت بها و فدای بسیار، که پایداری پرشکوه در اشرف، نمونه آن است.

اگر مجاهدین و ارتش آزادی از ۲۰ سال پیش در کنار مرزهای میهن در خاک عراق صف نبسته بودند، اگر شیرزان و کوهمردان اشرف صبر و پایداری نکرده بودند،

اگر بیش از ۸۰ سلسله افشاگری و روشنگری وقفه‌ناپذیر بین‌المللی درباره تسلیحات کشتار جمعی این رژیم نبود، اگر شورای ملی مقاومت ایران، به‌رغم همه فشارها، بر مواضع اصولی خود علیه استبداد مذهبی پای نمی‌فشارد، اگر رئیس‌جمهور برگزیده این شورا، در شرایطی که احدی را یارای آن نبود، بر خطر دخالت‌ها و جنایتهای رژیم آخوندی در عراق، فراتر از خطر اتمی انگشت نمی‌گذاشت،

اگر حدود ۳۷۰۰ فقره دخالت و جنایتهای این رژیم در عراق برملا نمی‌شد (از لیست ۳۲ هزار مزدور گرفته تا ۵۳ مؤسسه خیریه پوششی رژیم و از لیست ۸۳۳۱ عراقی که توسط نیروی قدس برای ترور شناسایی شده‌اند تا ۶۹۲ نفر از اعضای شبکه‌های ترور نیروی قدس و وزارت اطلاعات رژیم و لیست ۴۹۷ نمایندگی ولی فقیه در عراق و ۵۳ مقام ارشدی که رژیم ایران در دولت عراق کاشته است)، برآستی وضعیت چگونه بود؟

شیخکان سرکنگبین هسته‌ی را با عراق سر کشیده و لابد اکنون در شاخ آفریقا مستقر بودند و با بمب اتمی شاخ و شانه می‌کشیدند. مهمتر این که تسمه‌های ستم شیخی بر گرده مردم ایران محکم می‌شد و چشم‌انداز سرنگونی روشن نبود.

خوشا مجاهدینی که تا امروز به عهدشان وفا کرده‌اند و بی‌سلاح بیشتر و بیشتر با این رژیم اهریمنی چنگ در چنگ شدند و جنگیدند. آری، اشرف ایستاد و جهانی به ایستادگی برخاست» (نقل از پیام ۱۰ اسفند ۱۳۸۷).

آری، حکایت ایستادگی و نبرد برای آزادی، مسأله سرنگونی و «صورت مسأله» هم‌چنان به قوت خود باقی است. آنچه را در دیماه ۱۳۹۲ به‌دنبال حمله موشکی رژیم به مجاهدین در لیبرتی خاطر نشان کردیم یادآوری می‌کنم. این حمله با ۶۵ موشک به سرکردگی قاسم سلیمانی صورت گرفت.

«در تهران به مالکی و فالح فیاض گفتند و قبل از آن هم، فرستادگان و سفیر رژیم در بغداد به مقامات عراقی گفته بودند که: با این همه زحمت و مشقت برای جابه‌جایی، چیزی فرق نکرده و مجاهدین در لیبرتی همان هستند که در اشرف بودند. لیبرتی اشرف دیگری است که فقط نقطه‌اش عوض شده است.

این یکی را درست می‌گویند. تا وقتی در دنیا حتی یک مجاهد بازگشت‌ناپذیر باقیست، کارزار سرنگونی ادامه دارد. به همین خاطر، اگر دشمن گمان می‌کند که با حملات تروریستی و بحرانهای زنجیره‌ی جدید می‌تواند از کهکشان و آتشفشان اشرف خلاصی پیدا کند، کور خوانده است. باید آن را در جنگ صد برابر و شعله‌ور کردن و تکثیر اشرف در سراسر جهان و در داخل میهن اشغال شده به‌طور مضاعف بر سر خودش خراب کنیم.....

وحشت رژیم زهر خورده از تکثیر اشرف، و درماندگی آن در برابر جایگزین دموکراتیک پیاپی به اثبات می‌رسد و جای انکار باقی نمی‌گذارد» (پیام ۵ دی ۱۳۹۲).

اکنون خلیفه ارتجاع که از تمامی حملات و توطئه‌ها و بوقها و بلندگوهایش در اشرف ۱ و ۲ طرفی نبسته بیهوده گمان می‌کند که از شلاق‌کش کردن آلبانی ممکن است آبی گرم شود. اما هیئات که آب در هاون می‌کوبد. وال استریت ژورنال یکبار در سال ۱۳۸۷ در اثنای مذاکرات آمریکا و رژیم در بغداد نوشت: «به گفته چندین دیپلماتی که در گفتگوها با رژیم ایران حضور داشتند، مقامات رژیم ایران سالهاست که سرکوب مجاهدین خلق را در صدر اولویتهای خود در مذاکره با دولتهای غربی بر سر برنامه هسته‌یی خود قرار داده‌اند» (۷می ۲۰۰۸).

اکنون باز هم از تهران خبر می‌رسد که وزارت خارجه رژیم در گفتگوهایش در روزهای ۱۱ و ۱۳ و ۱۵ دی با سفیر سوئیس به‌عنوان حافظ منافع آمریکا بر همین اولویت تأکید کرده و قبل از هر چیز از آمریکا خواستار فاصله گرفتن از مجاهدین و گروه‌هایی شده است که مثل مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران، خواهان سرنگونی رژیم هستند. البته به‌رسم معمول برای این‌که مجاهدین بیش از حد شاخص و برجسته نشوند، به‌گفته خودش گروه‌های تجزیه‌طلب را هم در کنار آنها گذاشته تا در این مقوله هم تنها نمانند!

وقتی شعله‌های قیام و آتشفشان خشم خلق بالا می‌گیرد، وقتی دشمن ضربات کاری دریافت می‌کند و چشم‌انداز سرنگونی را می‌بیند، خود را به آب و آتش می‌زند و به هر خس و خاشاکی می‌آویزد. اما سرنوشت را در انقلاب دموکراتیک مردم ایران، خلق و فرزندان رشید و شورشگرش در میدان عمل می‌نویسند.

رود خروشان خون شهیدان در پرتو مهر تابان مقاومت و آزادی ایران ضامن پیروزی محتوم خلق ماست.

مسعود رجوی

۱۳۹۸ دی ۱۸